

Original Article

Examination of the Legal Status of Contracts Containing Automatic Renewal Clauses in Iran: A Comparative Analysis with French and English Law

Alireza Shamshiri^{*1} , Fereshteh Amirabadi Farahani² 

¹ Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran. Iran.

² PhD student in private law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran. Iran.



[10.22080/LPS.2023.25939.1551](https://doi.org/10.22080/LPS.2023.25939.1551)

Received:

August 28, 2023

Accepted:

December 16, 2023

Available online:

December 21, 2024

Keywords:

Automatic extension condition, Change of Circumstances, Osr VA Haraj (harship), Force-majeure", (contractual lesion), La-Zarar rule, (no-harm), Abuse of right

Abstract

In some contracts, a condition known as the contract extension condition is included due to contractual necessity. This condition allows the parties to avoid the need to renegotiate or conclude a new contract. However, this privilege is not immune to challenges and should be examined through a comparative study of the French and English legal systems. However, at times, the performance of an extended contract may encounter hardship or become impossible due to changes in contractual circumstances. In some instances, one party may exploit its superior position. These situations can serve as barriers to the implementation of the automatic contract extension clause. In both English and French law, various legal theories are employed, including "Change of Circumstances" (Rebus sic stantibus), "Frustration" and "Force-majeure" and the "Abuse of Right. In the comparative study conducted using an analytical-descriptive method and by referencing library sources in Iranian law, it is possible to adhere to general principles such as "La-Zarar" (no-harm rule) and " Osr VA Haraj " (rule of hardship), " Ghabne Hades " (sudden contractual lesion), and the prohibition of the abuse of rights offer solutions that are comparable to those found in the legal systems of England and France. These include the modification of extended contracts and, in certain cases, the cancellation of extension conditions and the non-implementation of extended contract.

***Corresponding Author:** Alireza Shamshiri

Address: Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran. Iran.

Email: Shamshiri.f@gmail.com



Extended Abstract

1. Introduction

In certain contracts, specific characteristics can create benefits for the parties involved, encouraging them to include a clause titled Successful business relationships often lead to prosperous collaborations, and this clause serves as an effective means to ensure continuity and security in future business dealings. One of the details specified by the parties in the contract is the duration for which the contract remains in effect. The parties are obligated to fulfill their responsibilities as long as the contract is active. According to this provision, if the parties do not terminate the contract by the expiration date, it will be automatically renewed, and they will be required to adhere to the terms of the contract for an additional specified period. It is common to include this condition in some contracts such as lease contracts, work contracts, dividend reinvestment plans in companies, insurance, providing health services, magazine subscriptions, providing basic goods, etc.

Since the automatic renewal clause facilitates the continuation of business relationships without the need to renegotiate contract terms, it increases the likelihood that individuals will include such clauses in their agreements. For instance, a manufacturer may rely on specific materials from a particular supplier to complete its products. The presence of an automatic renewal clause in the contract between the manufacturer and its supplier enables the manufacturer to renegotiate and establish a new contract without concern, thereby avoiding interruptions in the production process or the need to seek an alternative

supplier, ensuring a steady supply of raw materials.

The automatic renewal clause is activated at the end of the contract period, resulting in the provisions of the agreement being automatically renewed. This renewal occurs unless the contract is terminated by mutual agreement, due to a breach of contract, or through a written notice of termination sent by one of the parties prior to the contract's extension.

2. Methods

The present article employs a descriptive-analytical method to analyze library studies.

3. Research Findings

In both English and French law, various legal theories are employed, including "Change of Circumstances" (*Rebus sic stantibus*), "Frustration" and "Force-majeure" and the "Abuse of Right. In the comparative study conducted using an analytical-descriptive method and by referencing library sources in Iranian law, it is possible to adhere to general principles such as "La-Zarar" (no-harm rule) and "Osr VA Haraj" (rule of hardship), "Ghabne Hades" (sudden contractual lesion), and the prohibition of the abuse of rights offer solutions that are comparable to those found in the legal systems of England and France. These include the modification of extended contracts and, in certain cases, the cancellation of extension conditions and the non-implementation of extended contract.

Funding

There is no funding available for his essay.

Authors' Contributions

The authors contributed to the conceptualization and writing of the article. All authors approved the content of

the manuscript and agreed on all aspects of the work.

Conflict of Interest

The authors declare that there is no conflict of interest.

Acknowledgments

We extend our gratitude to all the scientific consultants who contributed to this paper.



علمی پژوهشی

بررسی وضعیت حقوقی قراردادهای شامل شرط تمدید خودکار قراردادی در ایران با نگاهی تطبیقی به حقوق فرانسه و انگلستان

علیرضا شمشیری^{ID ۱*}، فرشته امیرآبادی فراهانی^{ID ۲}

^۱ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



[10.22080/LPS.2023.25939.1551](https://doi.org/10.22080/LPS.2023.25939.1551)

چکیده

در بعضی قراردادها به سبب برخی ضرورت‌ها، شرطی با عنوان شرط تمدید قرارداد، گنجانده می‌شود که طرفین را از مذاکره مجدد و یا انعقاد قرارداد جدید، بی‌نیاز می‌سازد؛ با این حال این امتیاز مصون از چالش نبوده و با مطالعه تطبیقی در دو نظام حقوقی فرانسه و انگلیس، احصاء گردیدند؛ گاهی انجام تعهدات قرارداد تمدید شده به سبب تغییر شرایط و اوضاع، با سختی زیاد و یا عدم امکان اجرا روبرو می‌شود و در مواردی نیز یکی از طرفین قرارداد از قدرت برتر خود سوء استفاده می‌نماید؛ این موارد در واقع موانعی در مسیر اجرای شرط تمدید خودکار قرارداد می‌باشند. در نظام حقوقی دو کشور فوق، راهکارهایی همچون نظریه‌های دشواری، تغییر اوضاع و احوال قرارداد، نظریه عقیم شدن قرارداد، قوه قاهره و قاعده منع سوء استفاده از حق ارایه گردیده است. در مطالعه تطبیقی که به روش تحلیلی- توصیفی و با استفاده از ابزار منابع کتابخانه‌ای در حقوق ایران صورت گرفت، می‌توان با تمسک به قواعد عمومی از قبیل: لاضرر و نفعی عسر و حرج، خیار غبن حادث، منع سوء استفاده از حق به راهکارهای مشابهی با دو نظام حقوقی انگلیس و فرانسه همچون تعدیل قرارداد تمدید شده و در مواردی نیز لغو شرط تمدید و عدم اجرای قرارداد تمدید شده رسید.

تاریخ دریافت:

۰۶ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۲۵ آذر ۱۴۰۲

تاریخ انتشار:

۰۱ دی ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

شرط تمدید خودکار، تغییر اوضاع و احوال قرارداد، نفعی عسر و حرج، قوه قاهره، لاضرر، منع سوء استفاده از حق

* نویسنده مسئول: علیرضا شمشیری

آدرس: دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایمیل: Shamshiri.f@gmail.com تهران، ایران.

۱ مقدمه

در قراردادهای مستمر همچون اجاره، قراردادهای ارائه خدمات، تهیه مواد اولیه و... به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارند، یکی از نگرانی‌هایی که برای اشخاص وجود دارد، وضعیت آنها پس از انقضاء مدت است؛ چراکه اگر پیش‌بینی لازم برای آن زمان نشده باشد ممکن است باعث ایجاد بحران ناگهانی برای یکی از طرفین یا هر دو شود. برای مثال، تولید کننده‌ای که مواد اولیه‌ی محصول او را، طبق قراردادی، شخص دیگری تأمین می‌کند با انقضاء مدت قرارداد، روند تولید به سبب عدم دسترسی به مواد اولیه، با وقفه روبرو می‌شود. از راهکارهای مناسبی که برای چنین قراردادهایی وجود دارد، استفاده از نهادهای "تعهد به تمدید قرارداد" (دارویی، ۱۳۹۹: ۲۶۴) و "شرط تمدید خودکار قراردادی" می‌باشد که در این نوشته به بررسی قسم دوم یعنی شرط تمدید خودکار قراردادی پرداخته می‌شود. در بعضی از قراردادهای به سبب ویژگی‌هایی که دارد برای طرفین، مطلوبیتی ایجاد می‌کند که آنها ترغیب می‌شوند به این که در قرارداد، شرطی را تحت عنوان شرط تمدید خودکار قرارداد قرار دهند. روابط تجاری موفق، معمولاً باعث رونق در روابط تجاری می‌شود و این شرط، یک روش مناسب برای تداوم و تضمین تجارت آینده است. یکی از جزئیاتی که طرفین در قرارداد مشخص می‌کنند، مدت زمانی است که قرارداد به قوت خود باقی است و تا زمانی که قرارداد باقی است، طرفین ملزم به انجام تعهدات خود می‌باشند. طبق این شرط، تا زمانی که طرفین قرارداد در تاریخ انقضاء اعلام فسخ نکنند، قرارداد خود به خود، تمدید شده و آنها ملزم به رعایت قرارداد برای مدت زمان مشخص دیگری می‌باشند.

دو نوع قرارداد مشابه شامل این شرط، که با عناوین قرارداد همیشه سبز (دائمی) و قرارداد تمدید خودکار، در حقوق کشورهای غربی در این زمینه وجود دارند. این دو نوع قرارداد، به صورت خودکار تمدید می‌شوند، با این تفاوت که، در قرارداد همیشه سبز، قرارداد به مدت نامحدود و تا زمان رسیدن

اخطار فسخ تمدید می‌گردد؛ در حالی که در قرارداد تمدید خودکار، برای مدتی مشخص، مثلاً یک دوره پنج ساله تمدید می‌شود.

گنجاندن این شرط در بعضی قراردادهای، مانند قراردادهای اجاره، کار، طرح سرمایه‌گذاری مجدد سود سهام در شرکت‌ها، بیمه، ارائه خدمات بهداشتی، اشتراک مجلات، تأمین کالای اولیه و ... رواج دارد. (Kovač, Vandenberghe, 2015:300)

از آنجا که شرط تمدید خودکار، موجب سهولت ادامه‌ی روابط تجاری بدون نیاز به مذاکره‌ی مجدد در مورد شرایط قرارداد می‌شود، باعث اقبال افراد به درج چنین شرطی در قراردادهایشان می‌گردد. به عنوان مثال، تولید کننده ممکن است برای تکمیل محصول خود به مواد ویژه‌ای از یک تأمین کننده‌ی خاص، وابسته باشد. وجود شرط تمدید خودکار، در قرارداد تولید کننده و تأمین کننده‌اش، به تولیدکننده، اجازه می‌دهد که بدون نگرانی و بدون توقف در جریان تولید برای مذاکره مجدد و ایجاد قرارداد جدید و یا یافتن تأمین کننده‌ی جایگزین و با خطری آسوده از تأمین مواد اولیه، به تولید خود ادامه دهد (Voorhees, 2016, available at: www.weltman.com/publications).

شرط تمدید خودکار در پایان مدت قرارداد فعال شده و مفاد توافق به طور خودکار تمدید می‌گردد، به جز هنگامی که قرارداد از طریق توافق دو جانبه یا نقض قرارداد و یا ارسال نامه و اظهارنامه فسخ، قبل از تمدید قرارداد، توسط یکی از طرفین فسخ شود.

سؤالاتی که در موضوع شرط تمدید خودکار قراردادی به عنوان یک امتیاز در عقود مطرح است شامل یک سؤال اصلی و دو سؤال فرعی بدین شرح است: چالش‌های تمدید خودکار در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه چه مواردی است؟ و سؤالات دیگری که در مرحله بعد قابل طرح است، اقسام راه‌حل‌های ارائه شده برای چالش‌های احتمالی چیست؟ و نهایتاً اینکه

راه‌حل‌های احتمالی ارائه شده در مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران، چه وضعیتی دارند؟

در خصوص شرایط شکلی تنظیم قراردادهای حاوی شرط تمدید خودکار قرارداد، برخلاف ایران، که قانون خاصی در این زمینه وجود ندارد، در بعضی ایالت‌های آمریکا، مخصوصاً برای حمایت از مصرف‌کنندگان در مورد خدماتی که به صورت اشتراک ماهیانه یا سالیانه و با شرط تمدید خودکار قراردادی و جلوگیری از سوء استفاده احتمالی توسط ارائه‌دهنده خدمات، اخیراً قوانینی تحت عنوان قانون تمدید خودکار قرارداد، تصویب شده‌اند که تا حدودی جلوی ایجاد سوءاستفاده از شرط را می‌گیرد. در انگلستان، این شرط با عنوان قانون حقوق مصرف‌کننده مصوب سال ۲۰۱۵ تنظیم شده‌است، که هدف آن، محافظت از مصرف‌کنندگان در برابر شرایط و اخطارهای قرارداد ناعادلانه است؛ اما از آنجا که این قوانین مربوط به شرایط شکلی و محدود به قراردادهای خاص و محدودی است، به طور کلی در خصوص قراردادهایی که اجرای آنها دچار صعوبت می‌شود و یا با عدم امکان اجرا مواجه می‌گردد و یا مواردی که موجبات سوء استفاده فراهم می‌آید، تمسک به قواعد عمومی ناگزیر می‌نماید. با مطالعه میدانی در قواعد عمومی قراردادها مهم‌ترین موانعی که در اجرای شرط تمدید خودکار پدید می‌آید، به‌طور کلی در سه مورد استقرار شده است؛ مورد اول وضعیت قرارداد در صورت پیش‌امدهای ناگهانی و تغییر اوضاع و احوالی که اجرای قرارداد تمدید شده را با سختی و دشواری همراه می‌سازد؛ مورد دوم رویدادهایی که اجرای قرارداد تمدید شده را با منع دائمی همراه می‌سازد و نهایتاً مورد سوم، بعضی مصادیق که به‌طور غیرمنصفانه و همراه با سوء نیت اعمال می‌شود.

رویکرد تطبیقی در حقوق به معنای مقایسه و تحلیل دو یا چندین نظام حقوقی با یکدیگر است. این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا نقاط ضعف و قوت هر نظام شناسایی کرده و پیشنهاداتی برای بهبود یک نظام خاص بر اساس تجربیات نظام‌های دیگر

ارائه شود. در این مقاله، با توجه به اهمیت شرط تمدید خودکار قراردادی، در هر قسمت، نخست با نگاهی به حقوق فرانسه و انگلیس، رویه‌ها و اصول قانونی این دو کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به بررسی و تحلیل وضعیت این موضوع در حقوق ایران پرداخته می‌شود. در حقوق ایران در خصوص موقعیت‌های پیش آمده مقرر مستقل وجود ندارد، با این حال اگر موارد مشابهی بوجود محاکم باید به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، سعی کنند حکم هر اختلاف و دعوا را بر اساس قوانین مکتوب و وضع شده پیدا کنند؛ در غیر این صورت، با تکیه بر منابع و فتاوی معتبر اسلامی یا اصول حقوقی که با شرایط و موازین شرعی تضاد نداشته باشند، اختلافات را حل و فصل نمایند. آن‌ها نمی‌توانند با بهانه‌هایی مانند سکوت، نقص، اجمال یا تضاد در قوانین مدون، از بررسی و رسیدگی به دعوا و صدور حکم خودداری کنند. لذا در آخر هر بخش بر اساس موارد گفته شده، به بیان راهکارهایی در جهت تعیین وضعیت حقوقی در موارد مشابه در حقوق ایران نیز پرداخته خواهد شد.

۲ دشواری اجرای شرط تمدید خودکار قراردادی

در خصوص قراردادهای با شرط تمدید خودکار گاهی طرفین قرارداد در زمان انعقاد، با توجه به شرایطی که وجود دارد و البته تحلیل‌هایی که از شرایط اقتصادی تا سال‌های آینده دارند، تصمیم می‌گیرند که در زمان انقضاء مدت قرارداد، قرارداد مذکور تمدید شود؛ درحالی‌که ممکن است در زمان تمدید و یا حتی بعد از تمدید و در زمان اجرای قرارداد، شرایط به گونه‌ای تغییر کند و دشوار شود که ادامه قرارداد با این شرایط جدید غیرقابل پیش‌بینی، نه تنها مدنظر طرفین نبوده بلکه دور از انصاف و عدالت قراردادی نیز می‌باشد، البته در قراردادهای تجاری تا حدی که از نظر عرف منطقی و معقول باشد، توقع ایجاد ضرر، امری آشکار و طبیعی است؛

اجرای تعهد قراردادی صراحتاً ذکر به عمل نیامده است و برای مبری شدن از مسئولیت، تنها به قوه قاهره بسنده گردیده، که همین امر، موجبات تشتت نظرات حقوقدانان شده است (مافی، رامشی، باقری، ۱۳۹۴: ۱۲۵)؛ اما از آنجا که درج چنین شرطی به علم و تجربه و تخصص نیاز دارد، تحمیل شرایط به طرفین غیرحرفه‌ای که نتوانسته‌اند در قراردادهای قید کنند، دور از انصاف و عدالت است. در این موارد است که نظریه دشواری به منظور بازگرداندن تعادل و توازن قراردادی مطرح می‌شود. در شرایطی که دشواری ایجاد می‌شود، اکثر نظام‌های حقوقی، روش تعدیل قرارداد را پذیرفته‌اند؛ زیرا هم ثبات معاملات و قراردادهای حفظ می‌شود و هم ضرر ناروای ایجاد شده جبران می‌گردد (شریفی، صفری، ۱۳۹۲: ۱۱۳).^۳

۲/۱/۲ نظریه تغییر اوضاع و احوال قرارداد^۴

یکی از معاذیر قراردادی که در برخی نظام‌های حقوقی، از جمله کامن‌لا، پذیرفته شده است، نظریه تغییر اوضاع و احوال است. علیرغم اشتراکاتی که با قوه قاهره، در عناصر اساسی تشکیل دهنده دارد، تفاوت‌هایی ماهوی دارند که موجب تمییز آنها از یکدیگر شده است. از جمله این‌که، تغییر اوضاع و احوال، سبب دشواری و یا پرهزینه شدن غیرمعمول اجرای قرارداد می‌شود، بر خلاف قوه قاهره که نتیجه حدوث آن، عدم امکان اجرای تعهد، حتی با مشقت زیاد و هزینه گزاف است (اسماعیلی، ۱۳۸۱: ۱۳۸).

اصل لزوم و پایبندی به قراردادهای اصلی پذیرفته شده در همه نظام‌های حقوقی است و پذیرش تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قراردادهای عنوان استثنایی بر آن محسوب می‌شود و به نظر می‌رسد که متعهدین تنها در صورت عدم تغییر اساسی شرایطی

اما ضرر فاحش و غیرقابل جبرانی که در اثر تغییر اوضاع و احوال به متعهد وارد می‌شود، هیچ‌گاه مدنظر طرفین نبوده است؛ بنابراین تعیین وضعیت حقوقی قرارداد مذکور در چنین شرایطی ضروری است.

۲/۱ دشواری اجرای شرط تمديد خودکار قراردادی در حقوق انگلیس و فرانسه

زمانی که اجرای قرارداد با دشواری خیلی شدیدی روبرو می‌شود، نظریه دشواری و تغییر اوضاع و احوال که در نظام‌های حقوقی کشورهای انگلیس و فرانسه مطرح شده است، به شرح زیر است.

۲/۱/۱ نظریه دشواری^۱

همانطور که بیان شد، ممکن است به علت تحولات اقتصادی و یا سیاسی و موارد دیگر، شرایطی ایجاد شود که متعهد به دلیل التزام به شرط تمديد خودکار، برای انجام تعهد با دشواری و هزینه بسیار زیادی روبرو شود. دشواری به معنای شرایط غیرقابل پیش‌بینی‌ای است که در موازنه قراردادی اساساً اختلال ایجاد می‌کند و به عبارت دیگر، اجرای قرارداد بیش از حد طاقت فرسا شده است (Oral, 2019: 648). در قراردادهای بین‌المللی، معمولاً اجرای قرارداد با عدم ثبات بیشتری مواجه است، زیرا طرفین، تابع کشورهای مختلف و یا نظام‌های حقوقی متفاوتی‌اند؛ از این‌رو شروطی با عنوان دشواری^۲، ناظر به پیش‌بینی اوضاع و احوالی که ممکن است حادث شود، در قرارداد گنجانده می‌شود؛ با این حال در برخی موارد، مانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، برخلاف نظام‌های حقوقی ملی کشورها، از تعسر

^۱. Hardship

^۲. hardship clause

نحو فوق العاده ای دشوار سازد. (۳) وقوع حادثه مذکور غیر قابل پیش‌بینی باشد. (۴) وقوع حادثه مذکور خارج از کنترل طرفین باشد و طرفین قادر به غلبه بر آثار و نتایج آن نباشند. (۵) طرفین خطر حادثه مذکور را برعهده نگرفته باشند. (۶) متعهد، موضع قرارداد را اجرا نکرده باشد.

^۴. Rebus sic stantibus / change of Circumstances.

^۳. بنابر تعاریفی که از دشواری در اصول مؤسسه بین‌المللی یکسان‌سازی حقوق خصوصی (Unidroit) و اصول حقوق اروپایی و نیز قوانین داخلی بعضی کشورها ارائه شده است، می‌توان گفت زمانی این نظریه قابلیت استفاده دارد که این عناصر شش‌گانه محقق شوند: (۱) دشواری در نتیجه دگرگونی اوضاع و احوال ایجاد شود. (۲) حادثه مذکور اجرای قرارداد را به

بعضی راه حل انحلال قرارداد را پذیرفته، برخی مسأله تعدیل یا فسخ قرارداد و حتی در برخی مواقع، تعلیق قرارداد را پذیرفته‌اند (عسکری، احتشامی، ۱۳۹۵: ۱۸۵)؛ که البته تعدیل قرارداد، نسبت به سایر راهکارها مناسب تر به نظر می‌رسد. در این نظریه، مسئولیت هم از بین نمی‌رود؛ به دادگاه اجازه داده می‌شود تا با دخالت در مفاد تراضی طرفین در قرارداد، آن را به قراردادی معقول نزدیک کرده و خسارت ایجاد شده را به نحوی عادلانه میان طرفین قرارداد توزیع نماید؛ این معقول‌سازی قرارداد و تعدیل، ممکن است با کاهش میزان تعهد و یا افزایش هزینه‌ای که متعهدله باید بپردازد صورت پذیرد و البته قاضی می‌تواند از هر شیوه‌ای که متناسب با اوضاع و احوال به وجود آمده باشد، برای تعدیل قرارداد استفاده کند (اسماعیلی، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

۲،۲ دشواری اجرای شرط تمديد خودکار قراردادی در حقوق ایران

برای تعیین وضعیت حقوقی قرارداد شامل شرط تمديد خودکاری که اجرای آن با دشواری روبرو می‌گردد به غیر از ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی که در مورد عسر و حرج در زندگی خانوادگی است و ماده ۹ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۶۲، مقرر دیگری که تکلیف عقد را در زمان ایجاد حرج مشخص کند وجود ندارد، از این رو دادگاه ناگزیر از تمسک به قواعد فقهی و اصول حقوقی برای تعیین وضعیت حقوقی قراردادهای موضوع بحث است.

۲،۲،۱ قاعده نفی عسر و حرج

فقه‌ای امامیه با استناد به این قاعده، متعهد را در مواردی که با عسر و حرج مواجه می‌شود، از اجرای تعهد معاف دانسته‌اند. نفی عسر و حرج، یکی از قواعد مهم فقهی می‌باشد که در بسیاری از موارد برای رفع ضرر، مبنای حکم قرار گرفته است؛ این قاعده در فقه قلمروی گسترده‌ای دارد و در همه

که در هنگام انعقاد قرارداد وجود داشته، ملتزم به تعهد می‌باشند (صادقی مقدم، ۱۳۷۹: ۱۶۲). در این نظریه، منظور از تغییر اوضاع و احوال، دگرگونی بنیادی و اساسی شرایطی (نوعی و غیر ذاتی) است (عسکری و احتشامی، ۱۳۹۵: ۱۸۳) که در زمان وقوع عمل حقوقی مد نظر طرفین بوده است و مبنای اساسی قرارداد را تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای که آنها با در نظر گرفتن آن شرایط مبادرت به انعقاد قرارداد کرده‌اند (جلالی، آرای، ۱۳۸۹: ۱۴۶)؛ درواقع می‌توان گفت تا زمانی معامله لازم الوفاء می‌باشد که شرایط مذکور دچار تغییرات اساسی نگردد. در عرصه‌ی بین المللی نیز، این قاعده در قوانین کشورهای توسعه یافته مانند آلمان، فرانسه، ایتالیا، سوئیس و همچنین برخی ممالک اسلامی مانند مصر، سوریه، عراق، لیبی و الجزایر وجود دارد. افزایش مناسبات اقتصادی و معاهدات در عرصه جهانی موجب شد که در سال ۱۹۶۹ میلادی کنوانسیون وین در خصوص معاهدات^۱، به عنوان قانونی که مورد قبول اکثر کشورها می‌باشد، به تصویب برسد که در ماده ۶۲ نیز به این قاعده و شرایط آن اشاره شده است (خوینی، ۱۳۸۰: ۱۴۷). برای اعمال نظریه فوق، همانند نظریه دشواری، وجود برخی شروط ضروری است؛ قرارداد باید مستمر و مدت‌دار باشد و حوادث خارجی، استثنایی و غیرقابل پیش‌بینی‌ای رخ دهد که موجب تغییر بنیادی در شرایط اساسی قرارداد شود و این تغییر اجرای قرارداد را با سختی مواجه نموده و باعث ایجاد ضرر می‌شود، نه اینکه اجرای قرارداد را کلاً غیرممکن کند (صادقی مقدم، ۱۳۷۹: ۱۶۷)؛ علاوه بر این، قید تغییر اوضاع و احوال، نباید در قرارداد پیش‌بینی شده باشد و رفتار متعاقدين نیز نباید حاکی از قبول شرایط جدید باشد (جلالی، آرای، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

مواجهه نظام‌های حقوقی در این شرایط، به‌رغم اتفاق بر ناعادلانه بودن قرارداد، یکسان نیست.

موجود، دگرگونی اساسی حدود و قلمرو تعهدات یک طرف).
(Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969:
art 62

^۱. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969.
^۲. تغییر اساسی اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد معاهده، عدم پیش‌بینی تغییرات، تراضی طرفین بر بقای اوضاع و احوال

ابواب فقه قابل اعمال است (مصطفوی، بی تا، ج ۲: ۱۴۵). بنابراین اگر اوضاع در قرارداد به نحوی تغییر یابد که موجب مشقت شدید و نامتعرف برای متعهد گردد، به موجب این قاعده، حکم التزام برداشته می‌شود (جلالی و آریایی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). از آنجا که موارد فسخ قرارداد در قانون تصریح شده است و مشقت شدید جزو آنها نیست؛ از این رو به نظر می‌رسد که بازبینی و تعدیل قرارداد با اصل لزوم قراردادها، مطابقت بیشتری دارد (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۸۰)؛ البته عده‌ای نیز با استناد به قبح تکلیف مالایطاق (تکلیفی که انجام آن خارج از توان متعهد است)، منتفی شدن قرارداد را قطعی می‌دانند (نشست قضایی، ۱۳۸۸، قابل دسترسی در www.neshast.org).

۲،۲،۲ مفهوم مخالف قاعده المیسور و قاعده ما لا یدرک کله

از ادله‌ای که می‌تواند مورد استناد قرار گیرد، مفهوم مخالف قواعد "المیسور لا یسقط بالمعسور" و "ما لا یدرک کله لا یتدرک کله" است. به موجب مفهوم مخالف این قواعد در صورتی که امری با عسرت و سختی مواجه شود، ساقط می‌گردد اگرچه در صورتی که مقداری از تکلیف قابل انجام باشد، باید به جا آورده شود و همه تکلیف ساقط نمی‌شود. محل اجرای این قاعده هم عبادات و هم معاملات است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۹۰). بنابراین در خصوص قرارداد نیز اگر تغییر شرایط قرارداد به گونه‌ای باشد که امکان اجرای مقداری از آن وجود داشته باشد و این امر مطلوب متعهدله نیز باشد، قرارداد فسخ و لغو نمی‌گردد و باید تعدیل شود. در واقع متعهد باید به میزان توانش به تعهد عمل کند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که عمل متعهد به میزان میسور، تعدیل قرارداد محسوب می‌شود (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۸۱-۱۸۲)؛ در موردی نیز که قرارداد تمدید شده است و مانعی برای اجرای کامل قرارداد توسط متعهد ایجاد شود، به هر اندازه که می‌تواند مثلاً شش ماه باید قرارداد را اجرا کند.

در مورد وضعیت قرارداد شامل شرط تمدید خودکار قراردادی که ادامه اجرای آن بعد از تمدید، با سختی برای متعهد همراه می‌شود، هر سه نظام حقوقی به دنبال راه‌حلهایی هستند تا متعاهدین قرارداد در مواجهه با تغییرات غیرموقع مورد حمایت قرار گیرند و هدف آنها جلوگیری از ظلم به طرفین قرارداد و حفظ توازن بین حقوق و وظایف آنها است. در حقوق فرانسه راه حل منتخب، بازبینی و تعدیل قرارداد است، در حالی که حقوق انگلستان قرارداد را در چنین شرایطی به طور خودکار فسخ می‌کند. در حقوق ایران، محکمه می‌تواند با استناد به قاعده نفی عسر و حرج، متعهد را از انجام عمل حرجی مبری کند، اما با توجه به این که موارد فسخ قرارداد در قانون احصا شده است، جواز فسخ قرارداد در چنین وضعیتی، خالی از اشکال نیست، از این رو باید با استناد به مفهوم مخالف قاعده المیسور، انجام قرارداد را تنها در همان قسمتی که با سختی غیرقابل تحمل همراه است، منتفی اعلام کرد، البته به‌رغم این که در مورد پذیرش امکان تعدیل قضایی قرارداد، رویه واحدی میان محاکم وجود ندارد، به تأسی از اصول حقوقی پذیرفته شده در نظام های حقوقی مورد بحث که مغایر شرع هم نیستند، ورود دادگاه به قرارداد و تعدیل آن یکی از بهترین راه‌حل‌ها در مقابل فسخ قرارداد به نظر می‌رسد.

۲،۳ عدم امکان اجرای قرارداد با شرط تمدید خودکار قراردادی

گاهی در قراردادها و از جمله قراردادی که به طور خودکار تمدید شده است، انجام تعهد قراردادی به سبب تغییر اوضاع و احوالی که قابل انتساب به شخص متعهد نیست، غیرممکن می‌گردد که به بررسی وضعیت قرارداد در این مورد پرداخته می‌شود:

۲،۳،۱ عدم امکان اجرای شرط تمدید خودکار قراردادی در حقوق انگلیس و فرانسه

در رابطه با عدم امکان اجرای قرارداد یا تعهد، علاوه بر نظریه عقیم شدن قرارداد که زادگاه آن نظام

حقوقی کامن‌لا و مشخصاً حقوق انگلیس می‌باشد، نظریه قوه قاهره در حقوق فرانسه مطرح شده است.

۲،۳،۱،۱ نظریه عقیم شدن قرارداد^۱

عقیم شدن یا انتفای قرارداد به دو شکل واقع می‌گردد؛ گاهی خود قرارداد عقیم می‌شود^۲ و بعضی اوقات دستیابی به هدف قرارداد غیرممکن می‌گردد^۳ (Berger, Behn, 2020:98)؛ به عبارت دیگر گاهی عقیم شدن قرارداد واقعی است و در واقع خود قرارداد منتفی می‌شود، به این‌گونه که هرگاه با توجه به شرایط قراردادی و یا قصد طرفین، وجود عامل خاصی در زمان اجرای تعهد ضروری باشد، اما در زمان اجرا از بین رفته باشد، التزام به انجام تعهد و قرارداد هم از بین می‌رود. درمقابل، در بعضی موارد نیز عقیم شدن قرارداد حکمی است و به عبارت دیگر، هدف قرارداد منتفی می‌شود؛ به این معنا که قراردادی که به منظور دستیابی به هدف مشخصی منعقد شده است، به دلیل حدوث اوضاع و احوالی خاص در طول اجرای قرارداد، آن هدف از بین برود. در این موارد با وجود این‌که اجرای قرارداد ناممکن نیست اما از آنجاکه ثمره ای در اجرای آن وجود ندارد، آن قرارداد در حکم معدوم و عقیم است^۴ (عسکری و احتشامی، ۱۳۹۵: ۱۷۶). بنابراین هرگاه پس از انعقاد قرارداد، حادثه‌ای بروز نماید و مانعی در اجرای قرارداد ایجاد کند و یا اساساً حتی در صورت امکان، ثمره‌ای برای اجرای قرارداد متصور نباشد، اگر این مانع موقتی باشد و پس از گذشت مدت زمانی متعارف، مرتفع گردد، موجب تعلیق قرارداد می‌شود؛ اما اگر مانع دائمی باشد، موجب انحلال یا فسخ خودکار شده و هر دو طرف از زمان وقوع رویداد ناامید کننده، از تعهدات خود رها می‌شوند (Berger, Behn, 2020:101)؛ البته در پی عقیم شدن قرارداد، گاهی حق فسخ و تعدیل هم امکان‌پذیر

است. مثلاً اگر اجرای تنها قسمتی از قرارداد غیرممکن شود و بخش دیگر همچنان قابلیت اجرا داشته باشد، باید به متعهدله این اختیار را داد که بتواند کل قرارداد را فسخ کند و یا این‌که بتواند اجرای همان قسمت قابل اجرا را از متعهد بخواهد؛ همچنین با توجه به شرایط قرارداد، گاهی لازم است که قرارداد تعدیل شده و خسارات وارده بین طرفین تقسیم گردد (عسکری و احتشامی، ۱۳۹۵: ۱۷۷).

۲،۳،۱،۲ نظریه قوه قاهره^۵

نظریه قوه‌قاهره در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی با عناوین بعضاً متفاوتی پذیرفته شده است. در حقوق فرانسه، به رغم این‌که مفهوم قوه‌قاهره توسط مقررات بسیار متعددی مورد استناد قرار می‌گرفت و از جمله در مواد ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ قانون مدنی سابق به آن اشاره شده بود اما ماده‌ای که صراحتاً به تعریف آن بپردازد وجود نداشت و شرایط وجود آن را رویه قضایی بعضاً متغیر دادگاه‌های تجدیدنظر تعیین می‌کرد تا این‌که بعد از تغییرات ۲۰۰۶ قانون مدنی، تعریفی از آن در قالب ماده ۱۲۱۸ بیان شد (Zhou, 2021: 7)؛ مطابق آن، زمانی در امور قراردادی قوه‌قاهره وجود دارد که واقعه ای خارج از کنترل متعهد که در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی معقول نبوده و با اقدامات مقتضی نمی‌توان از آثار آن جلوگیری کرد، مانع از انجام تعهد او توسط بدهکار شود. اگر مانع موقت باشد، اجرای تعهد متوقف می‌شود مگر اینکه تأخیر ناشی از آن، فسخ قرارداد را توجیه کند. در صورت قطعی بودن مانع، قرارداد خود به خود فسخ می‌شود و از تعهدات خود رها می‌شوند. (civil code: art 1218) برای مثال در مورد همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ که اقتصاد دنیا را تحت تأثیر قرار داد، اگر بتوان تولید کالاهای فروخته شده را پس از پایان اثرات همه‌گیری این بیماری، بر زندگی تجاری از سر گرفت، اجرای تعهد

(۲) اجتناب ناپذیر و غیر قابل دفع بودن حادثه؛ (۳) غیر قابل پیش‌بینی بودن حادثه؛ (۴) رابطه علیت میان مانع و عدم اجرای قرارداد یا تعهد

^۵ . Force majeure

^۱ . frustration

^۲ . frustration of contract

^۳ . frustration of purpose

^۴ . البته شروطی برای عقیم دانستن یک قرارداد توسط حقوق‌دانان بیان شده است، من جمله: (۱) خارجی بودن حادثه؛

۲،۳،۲ عدم امکان اجرای شرط تمديد خودکار قراردادی در حقوق ایران

در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران به اقتباس از قانون مدنی قبلی فرانسه، بدون این که صراحتاً از اصطلاح قوه قاهره استفاده شود، به طور ناقصی مفهوم شرایط تحقق و آثار آن بر قرارداد بیان شده است که این نقص موجب ایجاد تشتت آراء گردیده است، (صفایی و جواهرکلام، ۱۴۰۱: ۱۴) از این رو، برای رفع نواقص مربوط محاکم ناگزیر از رجوع به منابع فقهی هستند که برخی از قواعد مربوط به موضوع بحث، مورد بررسی قرار می گیرند.

۲،۳،۲،۱ قاعده تعذر وفاء

قاعده " بطلان کل عقد بتعذر الوفاء بضمونه"، دلالت بر این معنی دارد که هرگاه اجرای مفاد عقد برای یکی از متعاقدين یا هر دو غیرممکن گردد، آن عقد به علت تعذر و عدم امکان وفا به مضمونش باطل^۴ می شود (طباطبایی قمی، ۱۳۸۱: ۱۵۲). هرگاه امکان عمل به مدلول تعهد وجود نداشته باشد و در واقع تعذر و مانعی دائمی ایجاد گردد، چنین معامله ای بیهوده و نزد عقلا باطل محسوب می شود، اعم از این که تعذر مربوط به یکی از طرفین باشد یا به هر دو طرف معامله؛ زیرا عقد قائم به متعاملین است و عجز هر یک از طرفین، به مثابه عجز هر دو طرف در انجام تعهدات قراردادی است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲۶۵). این قاعده در همه عقود و معاملات جاری است. منظور از وفا به مدلول عقد، عمل کردن به تعهدی است که در اثر وقوع عقد

معلق می شود اما اگر ماهیت عملکرد به گونه ای باشد که جبران آن در تاریخ بعدی برای خریدار منطقی نباشد و یا این که مانع دائمی باشد، هم متعهد و هم طرف مقابل از انجام تعهد و نیز پرداخت خسارت مبری می شوند مگر این که طرف متضرر، خطر حادثه قوه قاهره را به عهده گرفته باشد. طبق قانون مدنی قبل از ۲۰۱۶ فرانسه، دادگاه های فرانسه این نظر را داشتند که در مورد مانع دائمی، قرارداد خود به خود منفسخ نمی شود^۱، بلکه فقط باید از طریق حکم دادگاه باشد؛ اما مطابق ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی ۲۰۱۶ فرانسه، صراحتاً مقرر شد که در صورت وجود مانع دائمی، قرارداد خود به خود منفسخ می شود^۲ (Berger, Behn, 2020:96). در رویه تجارت بین المللی، اثر تعدیل نیز پذیرفته شده است، یعنی مذاکره مجدد در خصوص شرایط قرارداد و تطبیق آن با شرایط جدید که در واقع راه حلی مشترک میان نظریات قوه قاهره و دشواری نیز می باشد (Joern, 2000:219)؛ که به نظر می رسد این راه حل با اصل لزوم قراردادها تطابق بیشتری دارد، در واقع اجازه می دهد که طرفین، سرنوشت قراردادشان را تعیین کنند.

همانطور که ملاحظه شد این دو نظریه عقیم شدن قرارداد و قوه قاهره قرابت بسیار زیادی دارند، البته تفاوت های ظریفی نیز طبیعتاً بین آنها وجود دارد^۳.

1. effet résolutoire

2. résolution de plein droit

۳. بعضی از تفاوت هایی که میان این دو نظریه وجود دارد عبارتند از اینکه: ۱- در قوه قاهره، متعهد به سبب حادثه ای خارج از حیطه اقتدارش، به هیچ وجه نمی تواند تعهدش را انجام دهد اما در عقیم شدن، نیازی نیست که هرگونه انتفاع غیر ممکن شود و یا اصولاً قرارداد ناممکن گردد. ۲- قوه قاهره هم در حوزه مسئولیت قراردادی و هم در بحث ضمان قهری و الزامات خارج از قرارداد کاربرد دارد اما عقیم شدن تنها مختص تعهدات قراردادی است. ۳- در قوه قاهره، اصولاً بار اثبات عدم تقصیر و وقوع قوه قاهره بر عهده متعهد

است اما در عقیم شدن، هر دو طرف قرارداد می توانند به این نظریه استناد کنند و قرارداد را خاتمه دهند. ۴- در قوه قاهره، قرارداد ادامه حیات می دهد و بحث معافیت از مسئولیت برای پرداخت خسارت مطرح است در حالیکه در عقیم شدن، خود قرارداد تحت تأثیر قرار می گیرد و به تبع آن مسئولیت متعهد از بین می رود. (عسکری، احتشامی، ۱۳۹۵: ۱۸۸)

۴. منظور از بطلان، اعم از بطلان ذاتی و ابتدایی (هر گاه تعذر در زمان عقد وجود داشته باشد) و انفساخ (حدوث تعذر بعد از عقد مانند تلف شدن موضوع عقد) است. (صفایی، لامع، ۱۳۹۳: ۹۱)

(اصغری آقمشهدی، محمدی و مصطفوی، ۱۳۹۳: ۲۶) در چنین قراردادهایی ممکن است به واسطه تحولات شدید اقتصادی، پدیده‌های دور از انتظار تعادل قراردادی را چنان به هم زند که انجام تعهد با مشقت زیاد روبروگردد. در ناروایی ضرر ناشی از چنین حادثه‌ی غیرقابل پیش‌بینی‌ای تردید وجود ندارد.

برخی حقوقدانان معتقدند، از آنجا که غبن در تمام قراردادها و عقود ممکن است به وجود بیاید و مختص بیع نیست و وسیله‌ای برای جبران زیان ناشی از نامتعادل بودن دو عوض محسوب می‌گردد، در صورتی‌که تعادل عوضین مختل شود، خیار غبن کاربرد دارد (صفایی، ۱۳۸۳: ۲۸۳) و همچنین برخی از فقها نیز دلیل خیار غبن را قاعده لاضرر دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۱۹)، و چون قاعده لاضرر را در همه عقود و قراردادها حاکم می‌دانند، معتقدند که خیار غبن نیز در تمام عقود معاوضه‌ای و مغایه‌ای قابلیت اجرا دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

منظور از غبن حادث این است که پس از انعقاد صحیح قرارداد و در مرحله اجرای تعهدات ناشی از آن، تعادل عوضین به طور فاحشی به هم می‌خورد، به گونه‌ای که ادامه و بقای قرارداد، خسارات فراوانی را به طرف متعهد وارد می‌سازد (ابراهیمی ترکمان، ۱۳۹۹: ۱۳۰)؛ البته برخی از حقوق‌دانان معتقدند که این نظریه را نمی‌توان در شمار قواعد عمومی فسخ یا تعدیل قرارداد دانست و تنها در موارد استثنایی و برای جلوگیری از ضرر و حرج و پیش‌آمدهای دور از انتظار و در قراردادهایی از آن استفاده کرد که اجرای تعهد در آنها به طور مستمر یا با تأخیر انجام می‌پذیرد و از عقود مسامحه‌ای نیستند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۹۹-۱۰۷).

عده‌ای از فقها که قاعده لاضرر را به عنوان مدرک قاعده غبن می‌دانند، معتقدند لزوم قراردادها در صورت حدوث غبن، نفی می‌شود. اگر گفته شود معامله غبنی لازم است، لزوم عقد، حکمی ضرری است، از این رو گفته می‌شود معامله غبنی جایز است نه لازم و با نفی لزوم، ضرر از بین می‌رود.

صحیح میان طرفین، بر عهده هر یک قرار گرفته است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۳۲). در ماده ۲۲۷ ق.م، تعذر اجرای عقد مطرح شده است. در فقه عنوان "تعذر تسلیم" آمده است که مهمترین مصداق تعذر اجرای عقد است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۱۹۷). ممکن است عقد از نظر قدرت انجام تعهد (تسلیم معقود علیه) ابتدائاً به طور صحیح واقع شده باشد، اما حادثه‌ای باعث شود که اجرای تعهد (تسلیم معقود علیه) متعذر گردد (تعذر طاری). اگر این تعذر دائمی باشد، در این حال، متعهد له با اخذ ملاک از ماده ۲۴۰ قانون مدنی و خیار تعذر تسلیم، حق فسخ معامله را خواهد داشت (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۸۴۴)؛ البته اگر متعهدله بتواند شخصاً متعهدبه را قبض کند، حسن نیت اقتضا دارد که آن را قبض نماید و نمی‌تواند متقاضی انحلال عقد باشد و همچنین اگر مدت تعذر اندک و قابل اغماض باشد، متعهدله حق تقاضای انحلال عقد را ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۲۰۱)؛ اما اگر عذر ایجاد شده موقتی بوده و امکان برطرف کردن آن وجود داشته باشد، هرگاه وفای به عهد در زمان خاصی به صورت وحدت مطلوب باشد، عقد از زمان ایجاد مانع، منفسخ می‌شود؛ اما اگر زمان وفای عهد به نحو تعدد مطلوب باشد، برای متعهدله حق فسخ به وجود می‌آید (شعبانی، ۱۳۸۹: ۹۶).

۲،۳،۲،۲ قاعده غبن حادث

خیار غبن از قواعد عمومی قراردادها می‌باشد؛ اما آنچه در قانون مدنی مطرح شده، غبنی است که در حین انعقاد قرارداد وجود دارد و فقها بر آن اجماع دارند؛ لیکن در قرارداد های مدت دار که حوادث غیرمنتظره تعادل قراردادی را به هم می‌زند، بنظر می‌رسد به دلیل غبن حادث به زیان‌دیده می‌توان حق فسخ داد. اگرچه برخی از حقوق‌دانان، غبن حادث را با اصول حقوقی سازگار نمی‌دانند (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۲۴۶). لیکن با توجه به مطالب آتی می‌توان قاعده غبن حادث را اثبات نمود. قاعده غبن حادث، در قراردادهایی قابلیت اعمال دارد که اجرای تعهد در آنها به طور مستمر یا با تأخیر انجام می‌شود

نظر فقها در خصوص بیان معنای لاضرر متفاوت است. عده‌ای معتقدند که هر حکم تکلیفی یا وضعی که مستلزم ضرر شود، آن «حکم» در اسلام نفی شده است. (انصاری، ۱۴۱۶، ج ۲: ۵۳۳) مثلاً اگر لزوم بیع (حکم وضعی) مستلزم ضرر باشد، خود آن «لزوم»، نفی شده است. بعضی دیگر بیان می‌دارند که در جمله لاضرر نفی حکم به لسان نفی موضوع صورت گرفته است (خراسانی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۶۸) قواعد مذکور، مستقیماً نفی «حکم» نمی‌کند بلکه «موضوع» ضرر را نفی می‌کند، یعنی بیع ضرری در شرع مقدس منفی است نه لزوم بیع ضرری (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۵: ۲۵۵). اما نظر متفاوتی نیز وجود دارد که مطابق آن، لاضرر در مقام حاکمیت جامعه اسلامی از جانب پیامبر(ص) صادر شده است نه در مقام نبوت و قانون‌گذاری و قضاوت. بنابراین نهی در مقام وضع حکم شرعی صادر نشده است بلکه در مقام اجرای حکم شرعی صادر گردیده است؛ بنابراین هر جا اعمال حق، موجب اضرار به غیر شود، لا ضرر آن را محدود می‌کند (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۸۶)؛ به عبارت دیگر، هر جا که اعمال حق موجب ایراد خسارت و زیان دیگران شود، لاضرر کاربرد پیدا خواهد کرد (سید حسینی، ۱۳۹۶: ۵۲-۵۵) و جلوی اعمال حق گرفته می‌شود.

همانطور که بیان شد، درست است که در مواردی که انجام تعهدات قراردادی با مانعی روبرو شود به نحوی که امکان ادامه آن وجود نداشته باشد، مقرر صریحی که شرایط و آثار آن را به طور جامع بیان کند، وجود ندارد و تنها به طور ناقص در موادی از قانون مدنی به آن اشاره شده است، قواعد فقهی مذکور می‌تواند در موارد بسیاری حتی بهتر از نظریه‌های ارائه شده در نظام‌های حقوقی فرانسه و انگلیس راهگشا باشد. چرا که برای اعمال نظریات مذکور احراز شرایط خاصی نیاز است حال آن که به استناد قواعد فقهی همین که امکان وفای به عهد

سبحانی، ۱۳۹۴) و همچنین، در خصوص ضمانت اجرای غبن حادث، عده‌ای معتقدند که چون مبنای آن لاضرر است، حکم ضرری برداشته می‌شود بدون این که اثر مثبت دیگری داشته باشد، از این رو، حق فسخ را نسبت به تعدیل قرارداد مناسب‌تر می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۰۷). البته برخی حقوق‌دانان معتقدند که در چنین مواردی، ابتدا باید با استناد به قواعد عقلی اصل لزوم، "المیسور" و "ما لا یدرک کله"، به منظور حفظ و برقراری تعادل قراردادی، برای مغبون قائل به حق درخواست تعدیل قضایی تعهدات بود و نهایتاً در صورت عدم رضایت مغبون، به وی اختیار فسخ معامله را داد. (شعبانی، ۱۳۹۷: ۶۲ و ۶۴؛ عزیزی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۸۶).

با توجه به مطالب مذکور، به نظر می‌رسد همان‌طور که عدم وجود تعادل میان عوضین در زمان تراضی، به شرط این که زیان‌دیده از این عدم تعادل و گزاف بودن عوض آگاه نبوده باشد، می‌تواند برای وی به دلیل ضرری بودن معامله، خیار غبن ایجاد کند، هرگاه در آینده حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی واقع شود و تعادل میان عوضین را طوری بر هم زند که متعهد دچار سختی و حرجی شود که عرفاً قابل تحمل نباشد و به وی ضرر برسد، با استناد به قاعده لاضرر و قاعده غبن، زیان‌دیده حق دارد قرارداد را فسخ کند چراکه مبنای ایجاد خیار غبن پرهیز از ضررهای نارواست، که در غبن حادث نیز همین مبنا قابل پذیرش است.

۲،۳،۲،۳ قاعده لاضرر

اگر در اثر تغییر اوضاع و احوال و دگرگونی شرایط، الزام به انجام تعهد، مستلزم ورود ضرر غیرمترعارف و ناروا به متعهد گردد، در عرف، ضرر محقق بوده و بنا به قاعده لاضرر، حکم ضرری یعنی الزام به انجام تعهد مرفوع است. از آنجا که هر ضرر ناروایی را باید دفع کرد، در ناروایی ضرر ناشی از حادثه پیش‌بینی نشده نیز نباید تردید کرد (یزدانیان، ۱۳۸۵: ۱۲۷).^۱

بنایی محسوب کرده و موجب معافیت فرد از مسئولیت می‌داند. قابل دسترسی در: <https://ara.jri.ac.ir>

۱. در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۱۰۰۰۸۵، مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۳۱، قاضی محترم افزایش قیمت‌ها به گونه‌ای که موجب قوه‌قاهره شود را با توجه به قاعده لاضرر یک شرط

وجود نداشته باشد و یا تعادل قراردادی طوری به هم بخورد که موجب ایجاد ضرر گردد، جواز فسخ قرارداد به متعهد داده می‌شود و در واقع این قواعد فقهی علی‌الخصوص قاعده لاضرر که در اصل ۴۰ قانون اساسی نیز بیان شده است، در غیاب مقرر مشخص، می‌تواند تکلیف قرارداد موضوع بحث را مشخص نماید.

۲،۴ سوء استفاده از شرط تمديد خودکار قراردادی

گاهی ممکن است شرط تمديد خودکار قرارداد، به نحوی منعقد شود که زمینه را برای سوء استفاده از حق برای یک طرف در مقابل طرف دیگر فراهم آورد و یا این‌که یکی از متعاقدين با سوء استفاده از موقعیت اقتصادی، اجتماعی و یا تخصص خویش با درج شرط تمديد در قالب شرط تحمیلی^۱، شروط و موقعیت‌هایی را به طرف مقابل تحمیل کند (کریمی، ۱۳۸۱: ۷۵).

۲،۴،۱ سوء استفاده از شرط تمديد خودکار قراردادی در حقوق انگلیس و فرانسه

در خصوص مقابله با سوء استفاده از حق و درج شرط تمديد در قالب شرط تحمیلی، استفاده از قاعده منع سوء استفاده از حق^۲ بهترین راه حل است. هر حقی برای جهت معینی ایجاد شده است و باید در همان راستا از آن استفاده کرد و استفاده نادرست از حق، منجر به سوء استفاده می‌شود که مسئولیت فرد را در پی دارد (Josserand, L, 1905: 15). اصولاً در تمامی حق‌ها امکان سوء استفاده وجود دارد؛ بنابراین بیشتر حق‌ها نسبی می‌باشند. یعنی می‌توان از آنها سوء استفاده کرد و نباید استفاده از آنها به شکل سوء باشد (حاجی نوری، ۱۳۹۴: ۱۵۲). در خصوص مسئولیتی که فرد با به کار بردن حق مشروع خود، به دیگران ضرری وارد می‌کند، معمولاً نظریه فوق مطرح می‌شود. طبق برخی از نظریه‌های حقوقی، منع سوء استفاده از حق در واقع روی دیگر قاعده حسن نیت است (ره پیک، ۱۳۸۳: ۶۴ و ۶۸).

حقوقی که افراد در اجتماع در مقابل دیگران دارند، باید به نحو صحیح و با انگیزه سالم اعمال گردند. نظریه منع سوء استفاده از حق، در واقع تعهد اجرای با حسن نیت قرارداد و اعمال حقوق قراردادی به صورت معقول را بر طرفین تحمیل می‌کند. به عبارت دیگر، طرفین در هنگام انعقاد قرارداد، درج شرط و حتی استفاده از ضمانت اجراهایی مانند حق فسخ، دریافت خسارت و به طور کلی اعمال حقوق، باید حسن نیت داشته باشند. بحث منع سوء استفاده از حق و حسن نیت قراردادی دو مقوله کاملاً مرتبط با هم می‌باشند (عباسی، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۰). فردی که در قرارداد با انگیزه کسب سود بسیار زیاد و افراطی، شرط تمديد خودکار قرارداد را به طرف مقابل تحمیل می‌کند و یا به گونه‌ای این شرط را درج می‌نماید که قدرت عمل را از طرف مقابل گرفته و قرارداد با شرایطی که به ضرر متعهد است، به طور خودکار تمديد می‌شود، در واقع از حق خود در انعقاد قرارداد و شرط، سوء استفاده کرده است و حسن نیت وی مخدوش است. ضمانت اجرای نظریه سوء استفاده از حق، در وهله اول ضمانت اجرای طبیعی است (کریمی، ۱۳۸۱: ۸۲)؛ یعنی در خصوص شرط تمديد خودکار، قرارداد اصلی پایان پذیرفته و تمديد منتفی می‌شود و البته اگر خسارتی هم ایجاد شده باشد طبیعتاً باید پرداخت گردد.

۲،۴،۲ سوء استفاده از شرط تمديد خودکار قراردادی در حقوق ایران

نظریه سوء استفاده از حق در قانون مدنی، به عنوان یک نظریه عمومی مطرح نشده است و تنها می‌توان آن را مبنای برخی از مواد قانونی دانست (اکبرینه، ۱۳۹۱: ۲۷). نزدیک‌ترین قاعده فقهی به اصل منع سوء استفاده از حق، قاعده لاضرر است؛ البته صرف نظر از اختلاف نظرهای متفاوت در بیان قاعده و محل جریان آن، به طور کلی، مفهوم لاضرر عام‌تر از منع سوء استفاده از حق است (ره پیک، ۱۳۸۳: ۶۵). بنابراین به نظر می‌رسد که در حقوق ایران، استناد به قاعده لاضرر در مواردی همچون سوء

^۲. abus de droit / abuse of right

^۱. Clause abusive

سوءاستفاده از این حق می‌باشند. در هر یک از نظام‌های حقوقی مورد بررسی، راهکارهایی برای حل این چالش‌ها بر اساس اصول حقوقی ارائه شده‌اند، که مهم‌ترین آن‌ها شامل اصل حاکمیت اراده و قاعده لزوم ایفا قرارداد، تعدیل قضایی قراردادها و در صورت عدم امکان، فسخ یا انفساخ قرارداد می‌باشد. از طریق مطالعه تطبیقی، مشخص شده است که در نظام حقوقی ایران نیز می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت بالای فقه و برخی از قواعد فقهی نظیر منطوق و مفهوم مخالف قواعد لاضرر، غبن حادث، بطلان العقد لتعذر وفا بمدلوله و قاعده لا یتربک کله... به راه‌حلی قابل اجرا دست یافت.

در قراردادهای شامل شرط تمديد خودکار، در مواردی که انجام تعهدات تمديدی امکان‌پذیر نباشد و یا با هزینه‌های زیادی همراه باشد، باید همگام با اصل عدالت قراردادی، به اصل لزوم قراردادهای متکی نشد. در مواردی که انجام تعهدات قراردادی با تعذر مواجه می‌شود، اگر عذر دائمی باشد که عقد منتفی و منفسخ است؛ در موردی هم که عذر موقت باشد و همین عذر موقت و تأخیر در انجام تعهد، به متعهدله خسارتی وارد کند و انجام آن تعهد دیگر مطلوبیتی برای وی نداشته باشد، متعهدله با استناد به اختیار تعذر تسلیم و مواد ۲۳۹ و ۲۴۰ قانون مدنی اختیار فسخ معامله را خواهد داشت. در این مواقع هرچند قانون ما راه‌حل تعدیل قراردادهای را قبول ننموده است، اما گاهی پذیرش تعدیل می‌تواند بهترین گزینه باشد. در مواردی که انجام تعهد و شرط با دشواری و هزینه گزافی همراه باشد، در قانون ایران راه‌حلی ارائه نشده است؛ اما از آنجاکه قاضی برابر مفاد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی موظف است با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و یا اصول حقوقی که مغایر

استفاده از شروط از جمله شرط تمديد خودکار قراردادی، ما را بی‌نیاز از تمسک به سایر قواعد فقهی و قواعد مطرح در نظام‌های حقوقی می‌کند. شخصی که از حکم لزوم وفای به شرط (المومنون عند شروطهم) به ضرر دیگران استفاده کرده و ضرر غیرمتعارف به طرف قراردادی خویش وارد کند، عملش مشمول قاعده نفی ضرر قرار گرفته (کریمی، ۱۳۸۱: ۸۲) و حکم لزوم وفای به شرط مرتفع می‌گردد.^۱ بنابراین شرط گذاشته شده، یعنی تمديد خودکار قرارداد، نادیده گرفته می‌شود و یا در صورت امکان می‌توان به یکی از روش‌های مناسب وضعیت حاکم بر قرارداد و متعاقدين تمسک نموده و به تعدیل قرارداد پرداخت؛ مانند کاهش تعهد، پرداخت مابه‌ازاء توسط متعهدله، تبدیل تعهد و یا هر طریق دیگری که متعهد را از ضرر غیرمتعارف برهاند (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۷).

علاوه بر استدلال‌های فوق به نظر می‌رسد با استناد به برخی مقرره‌های حقوقی در نظام حقوقی ایران از جمله اصل ۴۰ قانون اساسی و تنقیح مناط از ماده ۱۳۲ قانون مدنی و برخی از قواعد فقهی از جمله قاعده لاضرر، در حقوق ایران نیز در صورتی که شرط تمديد خودکار موجب سوء استفاده از حق برای یکی از طرفین قرارداد شود نیز طرف مقابل حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

۳ نتیجه‌گیری و پیشنهادها

استفاده از شرط تمديد خودکار یکی از مکانیسم‌های مؤثر و کارآمد در قراردادهای است؛ با این حال، این امکان با محدودیت‌ها و چالش‌هایی همراه است. از طریق بررسی انجام شده، مشخص شده است که در نظام‌های حقوقی فرانسه و انگلیس، مهم‌ترین چالش‌ها در اجرای تمديد خودکار، شامل دشواری‌های غیرمتعارف، عدم امکان، و در نهایت

قاضی محترم با استدلالات فراوان از جمله منع سوء استفاده از حق و قاعده لاضرر، قرارداد را باطل اعلام کردند (شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۰۷۲۸، مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۳۰) قابل دسترسی در: <https://ara.jri.ac.ir>

۱. در این زمینه می‌توان به رأی اشاره کرده که در آن شهرداری با استفاده از موقعیت برتر خویش، اراده خویش را برطرف مقابل تحمیل و قراردادی را برخلاف عدالت جهت تملک بلاعوض بخشی از ملک اشخاص تنظیم کرده بود، که



با وجود راه‌حل‌های ارائه شده، پیشنهاد می‌گردد که در جهت برقراری عدالت قضایی و قراردادی، مقرره‌ای که به وضوح امکان تعدیل را به محاکم تجویز نماید، به شرح ذیل تصویب شود و تبصره‌ای با این مضمون به ماده ۲۴۰ قانون مدنی الحاق گردد:

تبصره پیشنهادی: "اگر بعد از عقد، حادثه‌ای خارج از اراده متعهد و غیرقابل پیش بینی رخ دهد و اجتناب از آن برای متعهد امکان پذیر نباشد و با وقوع آن، تعادل نسبی قرارداد از بین برود و یا انجام تعهد یا شرط، با مشقت یا هزینه بسیار زیادی روبرو شود، حاکم می‌تواند، حسب ضرورت نسبت به تعدیل و یا اعلام انفساخ و یا فسخ قرارداد به درخواست متعهد حکم مقتضی را صادر نماید."

با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نماید، می‌تواند با تمسک به قواعد عمومی قراردادها از جمله قواعد نفی عسرو حرج، المیسور، غبن حادث و لاضرر، حسب مورد، به راه‌حلی از جمله پرداخت خسارت، تعدیل قرارداد تمدید، تعلیق قرارداد تا رفع مانع، بطلان شرط تمدید و عدم الزام به تمدید قرارداد دست یابد تا از این طریق تا حد امکان جلوی ضرر ناروا به متعهد و سوءاستفاده متعهدله را گرفته و هم تا جایی که امکان دارد قرارداد را تعدیل و حفظ کند. البته قاعده لاضرر که قاعده عقلی کلی قابل قبول همه عقلا و در همه نظام‌های حقوقی است، در مواردی که در قبول یا اعمال هر یک از قواعد قبلی مذکور تردید یا ابهامی وجود داشته باشد، می‌تواند بدون تردید و با قوت بالا، مستمسک استدلالات قضات قرار گرفته و رفع مانع و حکم ضرری نماید.



منابع

- Abbasi, E, (2007), The meaning and concept of good faith in contracts, International Legal Research Journal, Vol. 2. (In Persian)
- Accident theory, judicial session, dated 04/05/2018, the issue of non-fulfillment of obligations in terms of external obstacles and unforeseen events. Available at: B2n.ir/q35378 .<https://www.neshast.org/Home/GetPublicJSessionTranscript/> (In Persian)
- Asghari aghmashhadi, F, Mohammadi, S, Mustafavi, Z (2014), Conditions for the realization of Ghaban, Journal of Islamic Law & Jurisprudence Researches. (In Persian)
- Akbarineh, P, (2012), Prohibition of abuse of objective rights in civil law, Jurisprudence And The Essentials of Islamic Law, Vol 12,13. (In Persian)
- Akhund Khorasani, (1996) Kefayyah al-Asul, Al-Al-Bait Institute Publication, Qom, second edition. (In Arabic)
- Andrew C. Voorhees, (2016), «The Enforceability of "Evergreen Clauses"», available at: www.weltman.com/ (In English)
- Ansari, M, (1995), Faraid al-Osul, Dar al-It-sam publication, Qom. (In Arabic)
- Askari, S, Ehtashami, H; (2017), Comparison of the theory of contract sterility with the theories of the Cairo authority, changes in circumstances and the difficulty of implementing the contract, Journal of Studies in Islamic Law & Jurisprudence, vol. 41. (In Persian)
- Azizi, P, Almasi, Afsharnia, T, (2020), Ethical review and evaluation of contract modification in Iranian law and Imami jurisprudence, Ethical Researches, Vol. 4. (In Persian)
- BERKMAN SOLUTIONS, «3 Keys to Managing Evergreen Contracts», available at: www.berkmansolutions.com, (In English)
- Darooi, A (2020), The Nature and Validity of the Obligation to Extend the Contract, Journal of Studies in Islamic Law & Jurisprudence, Vol. 22. (In Persian)
- Ebrahimi Torkaman, A. (2020). The Authority of Loss Occurring in the Lease Contract, The Quarterly Journal of figh, Vol 1. Judicial decisions available at: <https://ara.jri.ac.ir>. (In Persian)
- Esmaeeli, M (2001). The effect of changing conditions Issue on the contract in the view of comparative study. The Rahnemoon Journal, Vol 1. (In Persian)



- Fazel Movahdi Lankarani, M, (2006), Idah al-Kafayeh, Qom, Nough Publishing Institute, vol. 4. (In Persian)
- Haji Nouri, Gh, (2014), The return of moderation to the theory of abuse of rights, Journal of Islamic Law & Jurisprudence Researches, Vol. 11. (In Persian)
- Jafari Langroudi, M (2009), Expanded on Legal Terminology, Tehran, Ganj Danesh Library, vol. 3. (In Persian)
- Jafari Langroudi, M (2021), Commentary on Civil Code, Tehran, Ganj Danesh Library. (In Persian)
- Jalali, M and Araei, H, (2010), Comparative study of the doctrine of fundamental change of circumstances in Iranian law and international law, Journal of Comparative Law, Mofid University, No. 82. (In Persian)
- Javadi Amooli, A, (2010),
<https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/javadi/feqh/89/891004>. (In Persian)
- Josserand, L, (1905), De l'abus des droits, Arthur Rousseau, paris librairie nouvelle de droit et de jurisprudence. (In French)
- Karimi,A, (2002), Imposed conditions from the point of view of the general rules of contracts, Journal of Legal Research, Shahre Danesh, Vol. 1. (In Persian)
- Katouzian, N, (2004), civil rights and general rules of contracts, Tehran, publishing company in collaboration with Bahman Barna, vol. 3. (In Persian)
- Kovač, M, Vandenberghe, A (2015). "[Regulation of Automatic Renewal Clauses: A Behavioural Law and Economics Approach](#)". Journal of Consumer Policy. 38 (3): 287-313(In English)
- Khomeini, R, (1994), Al-Darr's innovations in the rule of negation of harm, International affairs department the institute for compilation and publication of Imam Khomeini's works, Qom, (In Arabic).
- Khoyyini, Gh (2002), Jurisprudential analysis of the theory of "change of circumstances in contracts, Matin research Journal, Vol. 13. (In Persian)
- Mafi, H, Ramshi, M, Bagheri, A, (2015), Effect of the implementation of contractual obligations in the 1980 Convention on the International Sale of Goods, Journal of Private Law Research, 3rd year, vol 10. (In Persian)
- Mohaghegh Damad, M, (1406 A.H.), Rules of Jurisprudence, Tehran, Islamic Sciences Publishing Center, Vol 2. (In Persian)
- Mousavi Bojnordi, H, (1999), Al-Qhavaede al-Fiqhiyyah, Qom, Al-Hadi Publishing House, vol. 5. (In Arabic)
- Mustafawi,M (2006), Al-Ghavaede Maa'at Ghavaede al-Fiqhiyyah Meaning, Evidences and Cases, Qom, Al-

- Nashar al-Islami Foundation of the Jama'ah Al-Madrasin of Qom Al-Mushrafah, Volume 1. (In Arabic)
- Mustafawi, M (2006), Al-Ghavaede Maa'at Ghavaede al-Fiqhiyyah Meaning, Evidences and Cases, Qom, Al-Nashar al-Islami Foundation of the Jama'ah Al-Madrasin of Qom Al-Mushrafah, Volume 2. (In Arabic)
- Oral, Tugce, (2019) «Exemption from liability according to the art. 79 of the Convention on International Sale of Goods (CISG)»: Juridical Tribune, Volume 9. (In English)
- Peter Berger, Klaus, Behn, Daniel (2019-2020), «Force Majeure and Hardship in the Age of Corona: A Historical and Comparative Study», McGill Journal of Dispute Resolution, Revue de règlement des différends de McGill, Volume 6, Number 4. (In English)
- Protection and Compliance under the Illinois Automatic Contract Renewal Act », availableat: www.rockfusco-connelly.com. (In English)
- Qasimzadeh, M, (2008), principles of contracts and obligations, Tehran, Justice Publications Institute. (In Persian)
- Rahpeik, S, (2004), Prohibiting the abuse of rights in legal theories and Quranic concepts, Journal of Islamic Studies, vol. 62. (In Persian)
- Rimke, Joern, (2000), «Force majeure and hardship: application in International Trade practice with specific regard to the CISG and UNIDROIT principle of International Commercial contracts», Kluwer. (In English)
- Sadeghi Moghadam, M, (2001), Comparative study of the influence of circumstances on the contract and solution of Iranian law, legal magazine, publication of the International Legal Services Office of the Islamic Republic of Iran, vol. 25. (In Persian)
- Safai, H, (2004), civil rights and general rules of contracts, Tehran, Mizan publication, vol. 2. (In Persian)
- Safaei, H, Lamay, Z, (2014), The jurisprudential rule of "Botlano Koolo Aghden Betaazorelvafa Bemazmooneh" and its application in dowry with an approach according to Imam Khomeini (pbuh), Matin Research Journal, Vol. 64. (In Persian)
- Safai, H, Javaherkalam, M (2022), Conditions and effects of the Force Majeure in the 2016 amendments to the French Civil Code, and use it to eliminate the shortcomings of the Iranian legal system, - Journal of Private Law Research, Vol. 39. (In Persian)
- Seyyed Hosseini, S (2017), Imam Khomeini's (PBUH) innovations in the rule of harmlessness and its similarity



- with the abuse of rights in civil responsibility, *Matin research Journal*, Vol. 74. (In Persian)
- Sharifi, E, Safari, N, (2013), Comparison of the theory of hardship and force majeure in the principles of commercial contract law, the principles of European contract law and Iranian law, *Comparative law Research Quarterly*, Vol. 4. (In Persian)
- Shabani, M, Bagheri, A, (2017), Jurisprudential review of the legitimacy and consequences of embezzlement, *Journal of Fiqh and Usul*, Vol. 112 (In Persian).
- Shabani, O, (2011), Investigation of the impossibility of contract execution in Iranian jurisprudence and law, *Islamic jurisprudence and law research journal*, vol. 6. (In Persian)
- Sobhani, J, (2015), <https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/sobhani/feqh/93/940205>. (In Persian)
- Tabatabai Qami, T, (2002), *Al-Anwar al-Bahiyyah fi al-Ghavaede al-Fiqhiyyah*, Qom, Mahalati (Mofid), vol.1. (In Arabic)
- Toosi, M, (n.d), *Al-Khalaf, Alnashrol Eslami*. (In Arabic)
- Vienna Convention on the Law of Treaties 1969. (In English)
- Yazdanian, A, (2007), Adjustment of contractual obligations based on the principles and rules governing Islamic jurisprudence, *Journal of Philosophy and kalam*, vol. 92. (In Persian)
- Zhou, F (2021), *La force majeure en matière contractuelle: étude comparée des droits chinois, français et allemande*, Université Paris. (In French)
- <https://www.investopedia.com/terms/e/ever-green.asp>. (In English)

